



طراحی چارچوب ملی صلاحیت

طراحی سیستمی یکپارچه جهت ساختاردهی صلاحیت‌های آموزشی



محمد خادمی

چارچوب ملی صلاحیت، مسیری است که از طریق آن کل آموزش یک کشور ذیل سیستمی واحد، یکپارچه و هماهنگ نمایان می‌شود. این چارچوب، ابزاری برای ساختاردهی به صلاحیت‌های موجود و جدید به‌شمار می‌آید. اگرچه در بسیاری از کشورها چنین چارچوبی طراحی و بکار گرفته شده، اما در ایران هنوز اجرا نشده است. طراحی این چارچوب در کشور با مشکلاتی روبه‌رو است؛ در پی حذف دورهٔ پیش‌دانشگاهی، تمامی سطوح آموزشی قابل پوشش نیست و اجماع نظر میان متولیان آموزش به تسهیل‌گری نیاز دارد. همچنین عملکرد کمیته‌های ارزشیابی، باید توسط یک نهاد ملی مستقل مورد نظارت قرار گیرد و به‌منظور مشارکت مؤثر ذی‌نفعان در چارچوب ملی صلاحیت، چاره‌اندیشی شود.



صلاحیت کشورهای آلمان، استرالیا، انگلستان، ترکیه، سوئد، عربستان، فنلاند و هلند، مورد مطالعه قرار گرفت.

• بررسی و مطالعهٔ وضع موجود سطح‌بندی صلاحیت‌های رسمی و غیررسمی در ایران

براساس مؤلفه‌های مطرح در شناسنامه که برای مطالعهٔ چارچوب صلاحیت کشورهای منتخب تعیین شده بود، وضعیت نظام صلاحیت‌ها در ایران نیز مورد بررسی قرار گرفت. به‌منظور دستیابی به این هدف از دو ابزار بررسی شامل: اسناد و مصاحبه استفاده شد.

• یکپارچه‌سازی سطوح و صلاحیت‌ها و ارائهٔ چارچوب ملی صلاحیت در ایران

در این مرحله با استفاده از رویکرد مطالعات تطبیقی به مطالعه و بررسی چارچوب صلاحیت کشورهای منتخب و نیز چارچوب صلاحیت ایران پرداخته شد. در این راستا، یافته‌های دو مرحلهٔ قبل در هشت موضع بررسی شد. به‌منظور تعیین میزان توافق و اشتراک نظر خبرگان نسبت به توصیف‌گرهای مناسب هر یک از سطوح تحصیلی و انواع صلاحیت، از پرسشنامه‌های محقق‌ساخته استفاده شد.

• تعیین مواضع چارچوب ملی صلاحیت ایران

براساس مؤلفه‌های مطرح در شناسنامهٔ چارچوب ملی صلاحیت، وضعیت کشورهای منتخب بررسی و سپس نتایج حاصل از آن با یکدیگر مقایسه شد. نتایج مطالعهٔ تطبیقی در هشت موضع به شرح زیر است:

• ضرورت و اهداف پژوهش

چارچوب ملی صلاحیت (NQF) ابزاری برای طبقه‌بندی صلاحیت‌های آموزشی مطابق با مجموعه‌ای از معیارها است که به‌منظور سطح مشخصی از یادگیری به دست آمده است. هدف از این چارچوب، ایجاد یکپارچگی و هماهنگی میان خرده‌سیستم‌های صلاحیت‌های ملی، جهت‌دهی به طراحی صلاحیت‌ها مبتنی بر پیامدهای یادگیری و هم‌تراز کردن مدارک تحصیلی و حرفه‌ای است. به بیان دیگر، چارچوب صلاحیت، سندی برای توسعه و طبقه‌بندی صلاحیت‌ها است؛ به‌گونه‌ای که منطبق با مجموعه‌ای از معیارهای سطوح یادگیری به دست آمده باشد. این چارچوب همچنین ارتباط داخلی میان صلاحیت‌ها و چگونگی پیشرفت یک فرد از سطحی به سطح دیگر را نشان می‌دهد. باتوجه به نبود چارچوب جامع ملی صلاحیت در ایران و ضرورت وجود آن برای هماهنگ‌سازی آموزش با جامعه و دنیای کار، تدوین چنین چارچوبی از اولویت‌های نظام آموزشی است. چارچوب ارائه‌شده در این پژوهش، چارچوبی توصیفی است که به ترسیم وضعیت موجود می‌پردازد و مقدمه‌ای برای تدوین چارچوب مطلوب، محسوب می‌شود.

• روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، سه مرحلهٔ اساسی جهت تدوین چارچوب ملی صلاحیت در نظام آموزشی ایران، مدنظر قرار گرفته است:

• بررسی تطبیقی چارچوب‌های موجود صلاحیت در سایر کشورها

در این مرحله با استفاده از رویکرد مطالعات تطبیقی، کلیهٔ اسناد و گزارش‌های در دسترس به‌منظور مطالعه و بررسی ساختار چارچوب

• سازمان‌ها و نهادهای مسئول تضمین کیفیت

مطالعه سازمان‌ها و نهادهای متصدی تضمین کیفیت در کشورهای مورد بررسی نشان می‌دهد که عموماً آژانس‌ها و کمیته‌های ارزیابی بیرونی در سه حوزه آموزش و پرورش، آموزش عالی و آموزش فنی و حرفه‌ای فعال هستند. همچنین هریک از این نهادها تحت کنترل کیفی آژانس‌های مربوط به خود قرار دارند. نقش دولت نیز نظارت کلی بر این مؤسسات است و اصول و خط‌مشی‌های کلی، صلاحیت تأسیس و تداوم فعالیت آنها و همچنین قوانین لازم برای انجام بازرسی، نظارت، ارزیابی و اعتباربخشی فرایندها را مشخص می‌کند. در ایران، اگرچه کمیته ارزشیابی تحت نظر نهادهای متولی آموزش وجود دارد، اما هیچ نهاد یا آژانس ملی مستقلاً بر این کمیته‌های متعدد نظارت ندارد.

• چگونگی سیستم آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای

بیشتر کشورهای تطابق لازم میان ساختار آموزشی و صلاحیت‌های فنی و حرفه‌ای کشورشان را ایجاد کرده و سرانجام، چارچوب ملی صلاحیت خود را به شکلی منسجم تدوین کرده‌اند. در ایران، طبق قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی، حرفه‌ای و مهارتی، ساختار آموزش فنی و حرفه‌ای از هشت سطح تشکیل می‌شود که لازم است پس از تعیین سازوکار اجرایی با چارچوب ملی صلاحیت‌ها انطباق داده شود.

• چگونگی اجرا و مشارکت ذی‌نفعان و نهادهای درگیر در چارچوب ملی صلاحیت

در ایران، نهادهایی که در تدوین، توسعه و استقرار چارچوب ملی صلاحیت اثرگذار هستند، در چهار دسته: سازمان‌ها و نهادهای اصلی متولی آموزش، سازمان‌ها و نهادهای تأثیرگذار در اشتغال، سازمان‌ها و نهادهای فرادستی تسهیل‌گر و نظام‌های صلاحیت، طبقه‌بندی شدند. در این راستا، تصویب ضمانت قانونی برای راه‌اندازی شورای NQF در کشور و اجرای تصمیمات آن ضروری است.

جمع‌بندی

باتوجه به اینکه لزوم طراحی چارچوب ملی صلاحیت در ایران احساس می‌شود، در این پژوهش چارچوبی مفهومی ارائه شد. در این راستا ضمن مطالعه تطبیقی تعدادی از کشورهای دارای چارچوب صلاحیت، ابتدا مؤلفه‌های لازم برای چارچوب صلاحیت استخراج و ارزیابی شد. سپس براساس اسناد موجود و مصاحبه با کارشناسان، وضعیت صلاحیت در ایران مورد بررسی قرار گرفت. در پایان، مواضع لازم برای طراحی چارچوب ملی صلاحیت تعیین شد.

درباره پژوهش

این پژوهش در پژوهشکده مطالعات فناوری ریاست جمهوری توسط محمد خادمی در سال ۱۳۹۷ انجام شده است.

• اهداف مطرح در NQF

تجربه سایر کشورها مشخص می‌کند که اهدافی نظیر: تشویق و بهبود دسترسی و مشارکت در یادگیری مادام‌العمر، مشارکت در عملکرد اقتصاد ملی و بازار کار، قابلیت تطابق و به رسمیت شناختن صلاحیت‌ها از طریق صلاحیت‌های بین‌المللی، تسهیل مسیرهای انعطاف‌پذیر، دسترسی و فرصت‌های پیشرفت میان بخش‌های آموزش و پرورش، از جمله وجوه مشترک در تدوین اهداف NQF هستند. بنابراین، مواردی به‌عنوان اهداف راه‌اندازی NQF در کشور مطرح شد.

• مقایسه سطوح NQF

طبق نتایج حاصل از مطالعه وضعیت صلاحیت‌های رسمی و غیررسمی در نظام آموزشی ایران، به نظر می‌رسد که بتوان هشت سطح صلاحیت را در نظام آموزشی کشور، همراه با صلاحیت‌های فنی و حرفه‌ای ذیل چارچوبی جامع در نظر گرفت. این سطوح به ترتیب شامل: صلاحیت سوادآموزی و شمارش، صلاحیت پایان مدرسه ابتدایی، صلاحیت پایان مدارس متوسطه، گواهی و دیپلم آموزش عالی، لیسانس، فوق‌لیسانس و دکتری است. اکنون سطح چهارم، مربوط به صلاحیت‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است که طبق قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی، حرفه‌ای و مهارتی تعریف شده‌اند؛ چراکه با حذف دوره پیش‌دانشگاهی هیچ‌یک از صلاحیت‌های نظام آموزشی ایران در این سطح نمی‌گنجد. بنابراین فقدان تطابق لازم میان سطوح آموزشی ایران و سطوح مرجع بین‌المللی، عدم تطابق لازم بین سطوح آموزشی با سطوح فنی و حرفه‌ای در ایران و مشخص نبودن مسیر ارتباطات و دستیابی به سطوح آموزشی در ایران، از جمله چالش‌های این حوزه به‌شمار می‌آیند.

• مقایسه ابعاد و معیارهای مطرح توصیف‌گرهای دانش، مهارت، شایستگی

براساس یافته‌های این پژوهش، توصیف‌گرهای مربوط به هریک از سطوح و صلاحیت‌های نظام آموزش ایران ارائه شد اما لازم است که این توصیف‌گرها مورد اجماع نهادهای متولی آموزش قرار گیرند. همچنین پیشنهاد می‌شود که توصیف‌گرهای مذکور، با سیستم‌های صلاحیت بین‌المللی انطباق داده شوند.

• میزان اعتبار تخصیص‌شده به هر سطح در چارچوب ملی صلاحیت

مطالعه سیستم‌های تخصیص و تجمیع اعتبار صلاحیت، مشخص می‌کند که در بیشتر چارچوب صلاحیت‌ها، سطوح آموزش عالی با تعدادی واحد، اعتباردهی شده و سایر سطوح معمولاً با تعدادی پرسش تحصیلی برای گذراندن یک سطح مشخص می‌شوند. در ایران، پراکندگی ساختار اعتباردهی میان نهادهای متولی آموزش، یک چالش به‌شمار می‌آید. برای رفع این چالش، پیشنهاد می‌شود که موضوع اعتبارات و واحدهای آموزشی در شورای NQF مطرح و سامانه تجمیع و انتقال اعتبارها طراحی و راه‌اندازی شود.